

## بررسی تعاریف و آشنایی با علم کلام در دیدگاه علما نویسنده: محمد دفتری<sup>۱</sup>، محمدحسین اقبالی<sup>۲</sup>

### چکیده

با پیدایش اسلام نیاز به پاسخگویی به سؤالات پیرامون مسائل این دین احساس می شد به ویژه بعد از شهادت امیرالمؤمنین (ع) و پیدایش فرق جدید و به تبع آن جدال بر سر حقانیت این فرق لازم می آید تا علمی متکفل این بحث شود. در رابطه با ضرورت و اهمیت علم کلام همین کافی است که در قرآن آیات زیادی که در رابطه با دفاع از دین است اشاره کنیم و همچنین روایاتی از ائمه اطهار که در آن به اصحاب خود در این رابطه سفارش می کنند

در بحث تعریف و موضوع علم نظرات متفاوتی وجود دارد در این رابطه در کتاب آشنایی با علوم اسلامی شهید مطهری این گونه آمده که: پاره‌ای از علما اسلامی تصمیم رفتند برای علم کلام تعریف و موضوع مشخصی انتخاب نمایند مانند تعریف و موضوعی که برای علم فلسفه وجود دارد، از این رو آرا مختلفی را در این مورد بیان کردند. ولی اینکه برای این علم تعریف و موضوع مشخص کنند اشتباه است.

دلیل این مسئله این است که داشتن موضوع مشخص در یک علمی منوط به علومی می باشد که مسائل موجود در آن علم دارای وحدت ذاتی می باشند، درحالی که اگر مسائل موجود در یک علم وحدت اعتباری داشته باشند نمی توانند موضوع واحدی را داشته باشند. باید به این نکته توجه کرد که با گذشت زمان و پیدایش مسائل جدید باید علم کلام نیز نسبت به مسائل جدید دیدگاه خود رو بیان کند که این وظیفه را علم کلام جدید بر عهده می گیرد که در متن به تمامی این مسائل با دید وسیع تری نگاه خواهیم کرد.

### کلمات کلیدی

علم کلام، کلام جدید، تعریف، موضوع، اهداف، کلیات، متکلمین

<sup>۱</sup> محمد دفتری، طلبه سطح یک حوزه علمیه قم، m.daftary4228@gmail.com

<sup>۲</sup> محمدحسین اقبالی، طلبه سطح یک حوزه علمیه قم، M.h.eghbali344890@gmail.com

علم کلام که از آن با نام کلام شناسی هم یاد می‌کنند، از جمله علوم است که وظیفه بحث پیرامون اصول اعتقادی بر مبنای استدلال عقلی و نقلی را بر عهده دارد و همچنین به شبهاتی که در این زمینه مطرح می‌شود، پاسخ می‌دهد. علم کلام در زمره علوم اسلامی قرار می‌گیرد که بر بهره‌گیری از علم و عقل در مسائل اعتقادی تکیه کرده است. علم کلام بر این است که مسائل اعتقادی تحقیقی و اجتهادی است، نه تقلیدی.

کلام به مسائل بنیادی دین و مناظره با اندیشه مخالف می‌پردازد. مباحثی همچون اثبات خدا، معاد، نبوت، امامت و... در این رشته نظری بحث می‌شود. به دانشمند علم کلام «متکلم» می‌گویند.

## بیان مسئله:

از فوائد علم کلام می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱- فردی که علم کلام را آموخت، از نقطه تقلید به مرحله اجتهاد گام می‌نهد و یقین تقلیدی او به یقین تصدیقی تبدیل می‌شود.

۲- دیگران را می‌تواند هدایت کند.

۳- بر ابطال مغالطه‌های باطل‌گرایان قدرت پیدا کرده و تزلزل در عقایدش پدید نمی‌آید. (آیت الله سبحانی، ۱۳۹۷)

از فوایدی که برای این علم بیان شده جایگاه آن به دست می‌آید که در رأس تمام علوم اسلامی قرار گرفته است و لذا تا مسائل کلامی یک‌سره نشود نمی‌توان از کتاب‌الله و سنت بهره گرفت؛ به عبارت دیگر، علم کلام، فقه اکبر است و سایر علوم بر آن استوار است، مانند علم اصغر و علم تفسیر و حدیث و از آن جایی که علوم اسلامی دیگر بر این علم استوار هستند، لازم است که در این علم تحقیق و پژوهش بیشتری انجام گیرد لذا این پژوهش انجام گرفته است.

## پیشینه تحقیق

معنای علم کلام در دو دسته زیر خلاصه می‌شود: اول) گفت‌وگو و مباحث اعتقادی که به صورت‌های زیر بیان می‌شود: ۱. تعلم و یادگیری ۲. جدال و مناظره ۳. پرسش و پاسخ درحالی که سه مورد بیان شده بدون پدید آمدن عقاید و مذاهب کلامی با شد. دوم) مباحث کلامی به همان شکل قبل ولی با توجه به پیدایش عقاید و مذاهب مختلف کلامی در فرض اول می‌توان بیان کرد که:

هم‌زمان با ظهور اسلام علم کلام اسلامی نیز ظهور پیدا کرده است چرا که اگر به قرآن و کتب اسلام رجوع شود کاملاً مشخص است که در دوران پیامبر اکرم (ص) مباحث کلامی به طرق گفته شده در فوق بسیار شیوع داشته است چنانچه که می‌توان برای هر کدام از این طرق در قرآن و روایات نمونه‌های فراوانی را بیان داشت. مباحث کلامی فوق حتی بعد رحلت نبی مکرم اسلام تا زمان شهادت امیرالمؤمنین نیز ادامه داشت ولی از آنجایی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام دارای

ویژگی‌های ارزنده علمی والایی بودند و تنها مرجع پاسخگویی به سؤالات علمی و دینی خود ایشان بودند و نظرات مخالف ایشان قابل قبول نبود پس در نتیجه باعث شده بود تا مذاهب کلامی دیگری به وجود نیاید.

در آن زمان صحابی دانشمند زیادی مانند عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود به استیلا علمی امیرالمؤمنین اذعان داشتند به طوری که ابن عباس گفته است: «علم رسول الله من علم الله تبارک وتعالی و علم علی (ع) من علم النبی (ص) و علمی من علم علی (ع)؛ و ما علمی و علم اصحاب محمد (ص) فی علم علی (ع) إلا کقطره فی سبعة أبحر»؛ (علم رسول خدا (ص) از علم خداوند تبارک و تعالی سرچشمه گرفته است و علم علی (ع) از علم پیامبر اکرم (ص) و علم من از علم علی (ع) است؛ و علم من و علم تمام اصحاب محمد (ص) نسبت به علم علی (ع) همچون قطره‌ای در هفت دریا است) (عبدالحسین امینی، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص ۴۵).

استیلا علمی امیرالمؤمنین حتی مورد پذیرش خلفایی که با وی در موضوع خلافت نزاع داشتند هم بود که از جمله آن می‌توان به جمله‌ای که از خلیفه اول نقل شده هم اشاره کرد که گفته است: «لولا علی لهلك عمر» و همچنین گفته است که: «الله لا یبقی لمعضلة لیس لها ابن ابیطالب» یعنی ای علی خدا بعد از تو مرا باقی نگذارد (عبدالحسین امینی، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص ۴۵).

پس می‌توان نتیجه گرفت که مباحث کلامی به طرق فوق‌الذکر، هم‌زمان با ظهور اسلامی مطرح شده است و حتی می‌توان به جرأت گفت تا اواسط قرن اول هجری ادامه داشته است، ولی تا همین زمان نیز خبر از به وجود آمدن مذاهب کلامی در بین مسلمین نبود البته باید خاطر نشان کرد که در این مدت مباحث کلامی به روش شفاهی انجام می‌گرفت نه به روش کتبت و تدوین. پس از این مرحله بود که علم کلام وارد مقطع جدید تاریخی خود شد چرا که بعد از این دوره هم مذاهب و فرق کلامی به وجود آمدند و هم روش‌های تدوین و کتابت بعد از این دوره رواج گسترده‌ای پیدا کرد (علی ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۲، تاریخ و علل ظهور علم کلام، کیهان اندیشه شماره ۵۰).

مسئله‌ی نخست (مرتضی مطهری، کلام، عرفان، حکمت عملی، ۱۳۸۷). ظاهراً نخستین مسأله‌ای به وجود آمده در بین مسلمانان آن زمان که مورد بحث قرار گرفته مسأله‌ی جبر و اختیار بوده، با تامل کمی می‌توان متوجه شد که این مسئله با سرنوشت انسان‌ها گره خورده است مورد توجه هر انسان بالغی می‌باشد شاید جامعه‌ای پیدا نشود که افراد آن به مرحله بلوغ فکری رسیده باشند و مسئله جبر و اختیار در آن جامعه مطرح نشده باشد. در ثانی قرآن مجید حاوی آیات زیادی است که محرک اندیشه فرد در این مسئله مهم می‌شود (مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، ۱۳۹۶).

بنابراین دلیلی نیست که ما در تفحص منبع دیگری برای طرح این مسئله در علوم اسلامی باشیم. دانشمندان مشرق زمین عموماً برای اینکه بتوانند معارف اسلامی را نفی کنند تلاش می‌کنند به هر طریقی که هست ریشه‌های خارجی به مخصوص از مسیحیت را برای علمی که نزد مسلمانان پیدا کنند. به همین دلیل تلاش می‌کنند تا ثابت کنند ریشه‌ی اصلی کلام از خارج می‌باشد چنانچه در رابطه با علمی مانند عرفان، نحو و عروض این کار را انجام داده‌اند.

مبحث جبر و اختیار که را می‌توان مبحث قضا و قدر هم بیان کرد زیرا از جهتی که به آن سان ارتباط دارد جبر و اختیار و از جهتی که با خداوند ارتباط دارد مبحث قضا و قدر است، لازم به یادآوری است که این مبحث اساسی خود مسئله عدل را در پی می‌آورد و از طرف دیگر مسئله عدل، بحث حسن و قبح ذاتی را در پی دارد و به همین صورت مسائل دیگری را در پی یکدیگر می‌آورد (مرتضی مطهری، عدل الهی، ۱۳۷۶).

و کم‌کم بحث به توحید افعالی و سپس به توحید صفاتی کشیده شد. بعدها دسته‌بندی مباحث کلامی گسترده‌تری پیدا کردند، به بسیاری از مباحث فلسفی سوق داده شدند از جمله مباحث جوهر و عرض و مسئله خلا و بسیاری از مسائل دیگر؛ زیرا متکلمین طرح این مسائل را به عنوان مقدمه‌ای برای مسائل مربوط به اصول دین - خصوصاً مسائل مربوط به مبدأ و معاد - لازم می‌شمردند به همین دلیل بود که اکثر مسائل که در زمینه‌ی فلسفه قرار داشتند در زمینه‌ی علم کلام هم جای گرفتند باید توجه داشت که کلام و فلسفه دارای مباحث مشترک بسیاری هستند.

اگر شخصی بخواهد کتب کلامی که بعد از قرن هفتم به رشته تحریر درآمده‌اند را مورد مطالعه قرار دهد شاهد خواهد کرد که بیشتر مسائلی که در کتب اسلامی به چشم می‌خورد همان مطالبی است که فلاسفه اسلامی در کتاب‌های خود مطرح کرده‌اند. کلام و فلسفه‌ی اسلامی تأثیرات بسیاری را در خود داشته‌اند. از جمله تأثیراتی که علم کلام بر فلسفه و فلسفه بر علم کلام داشته می‌توان به این موضوع اشاره کرد که کلام برای فلسفه مسائل جدیدی را مطرح کرده است و از طرف دیگر فلسفه هم باعث شده دایره کلام وسعت یابد به عبارت بهتر ضرورت داشت تا بسیاری از مباحث فلسفی در قلمرو کلام مطرح شود.

## ضرورت و اهمیت و جایگاه علم کلام

### علم کلام از منظر قرآن

صدرالمتألهین در تفسیر آیه ۲۱ و ۲۲ بقره (صدرالمتألهین، تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۴۰، ط: انتشارات بیدار، ۱۳۶۶) می‌فرماید: این آیه مشتمل بر شش امر است: نکات لطیفه، مسائل غامض، علوم شریف، حکمت‌های عقلی، انوار الهی و اسرار ربوبی. سپس ایشان به بررسی این بخش‌ها پرداخته و در بررسی علوم شریفه می‌گوید: در این آیه بعد از بیان امر به عبادت، مطلبی بیان شده که دلالت بر خالق و صانع دارد و آن اینکه برای شناخت خداوند در نظام عالم و خلقت پدیده‌ها باید تدبر و تفکر نمود.

ایشان سپس در بیان فضیلت این علم یعنی علم خداشناسی و اعتقادات ۸ وجه را بیان می‌کند. در وجه هفتم می‌فرماید: اگر به قرآن رجوع کنیم می‌بینیم که تعداد آیاتی که به احکام فقهی اختصاص دارد کم است و به ۶۰۰ آیه نمی‌رسد در حالی که بخش عظیمی از آیات قرآن کریم مربوط به مسائل اعتقادی از قبیل توحید و معاد است. حتی آیاتی که بیان‌گر قصص می‌باشد نیز به بیان حکمت و قدرت الهی پرداخته است و لذا می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ». (یوسف/سوره ۱۲، آیه ۱۱۱).

مرحوم صدرا در وجه هشتم می‌فرماید: خدای متعال اولین چیزی که از مخلوقات خود خواسته اندیشه ورزی تفکر و تدبیر است تا به توحید و معرفت صفات الهی برسد. قرآن کریم در بیش از ۴۰۰ آیه از بشر خواسته است که به تفکر و تدبیر بپردازد. قرآن کریم همچنین اهل بحث و جدال با مخالفین را مدح کرده است، کسانی که هم خود خداوند را شناخته و هم دیگران را به این سمت راهنمایی کرده‌اند و با اهل عناد و ضلال مجادله کرده‌اند. مرحوم صدرالمتألهین چند شاهد بر این مطلب می‌آورد:

الف) قرآن کریم سخن کفار درباره حضرت نوح (ع) را این‌گونه نقل می‌کند که گفتند: «يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (هود/سوره ۱۱، آیه ۳۲). ای شان می‌فرماید: معلوم است که جدال آن حضرت در مسائل اعتقادی بوده است نه در فروع مسائل فرعی. بنابراین مجادله در راه یاری حق حرفه انبیای الهی بوده است.

ب) قرآن کریم در قصه حضرت ابراهیم (ع)، جدال ای شان با نمرود را این‌گونه بیان می‌فرماید: «رَبِّی الَّذِی یُحِی وَ یُمِیتُ قَالَ اَنَا اَحِیٌّ وَ اُمِیتُ قَالَ اِبْرَاهِیمُ فَاِنَّ اللّٰهَ یَاْتِی بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَاتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِی کَفَرَ وَ اللّٰهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ» (بقره/سوره ۲، آیه ۲۵۸).

ج) در جریان مجادله حضرت ابراهیم (ع) با پرستش‌کنندگان خورشید و ماه و زهره، حضرت فرمودند اینان نمی‌توانند رب باشند زیرا روال پذیر هستند. (ماتریالیست‌ها می‌گویند ما نیز واجب‌الوجود را قبول داریم و آن اصل ماده است؛ اما این سخن نادرست است زیرا واجب‌الوجود صفاتی دارد که ماده آن‌ها را ندارد). خداوند این احتجاج حضرت ابراهیم (ع) را کاری با ارزش دانسته است و به ایشان نمره داده است. این مسئله اختصاصی به آن حضرت هم ندارد بلکه کار آن حضرت نمونه کامل آن است.

علامه طبرسی صاحب «مجمع‌البیان» در تفسیر آیه ۵۲ فرقان «فَلَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَ جَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا کَبِیرًا» (فرقان/سوره ۲۵، آیه ۵۲). می‌فرماید: چگونه با کفار جهاد کبیر شود؟ آیا مراد جهاد مسلحانه است؟ ضمیر «به» به چه چیزی برمی‌گردد؟ مرحوم طبرسی می‌فرماید: این ضمیر به قرآن برمی‌گردد همان‌طور که از حدیث ابن عباس برمی‌آید؛ و مراد از جهاد به و سیله قرآن، جهاد متکلمین در حل شبهات مخالفین و معاندین است و حتی می‌توان گفت مراد از جهاد با نفس که جهاد اکبر شمرده شده است نیز همین قسم از جهاد است. در مورد ضمیر «به» در آیه دو قول بیان شده است: برخی ضمیر را به قرآن برگردانده‌اند و برخی گفته‌اند مراد از آن ترک طاعت است.

زمخشری هر دو قول را آورده است (زمخشری، الکشاف، ج ۳، ص ۲۸۶، ۱۳۸۹). علامه طباطبایی همان قول صاحب مجمع را قبول دارند و دلیل آن را سیاق آیات می‌داند. سیاق به این صورت است که ابتدای این سوره با بحث قرآن آغاز می‌شود «تَبَارَکَ الَّذِی نَزَلَ الْفُرْقَانَ عَلٰی عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِینَ نَذِيرًا» (فرقان/سوره ۲۵، آیه ۱).

سپس بحث با محوریت قرآن ادامه می‌یابد تا می‌رسد به آیه مورد نظر. مرحوم علامه می‌فرماید: ضمیر «به» به شهادت سیاق آیات، به قرآن برمی‌گردد و کلمه «مجاهده» و نیز «جهاد» به معنای جد و جهد و به کار بردن نهایت نیرو در دفع دشمن است؛ و چون گفتیم ضمیر به قرآن برمی‌گردد معنا این می‌شود که: با قرآن با دشمنان جهاد کن، یعنی قرآن را بر آنان بخوان و معارف و حقایق آن را بر ایشان بیان کن و حجت را بر ایشان تمام نما. (علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۸، ط: جامعه مدرسین، ۱۳۷۴).

فخر رازی درباره این آیه نکته‌ای راهگشایی بیان می‌کند و می‌گوید: سوره فرقان از سور مکی است و این آیه در مکه نازل شده لذا مراد از جهاد در آیه جهاد مسلحانه و مصطلحی که در فقه مطرح است نیست، (فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۴، ص ۱۰۰). زیرا حکم جهاد مسلحانه در مدینه و بعد از هجرت نازل شده است.

### علم کلام از منظر روایات

در روایات زیادی به اهمیت علم کلام اشاره شده است که در این رابطه به چند روایت اشاره می‌کنیم:

۱- روایت معروف نبوی که فرمودند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ أَيْةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ» (مرحوم کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲، ط: اسلامیه، ۱۴۰۷ق).

مرحوم محقق داماد در این باره فرمودند: آیه محکمه به معنای علم به اعتقادات دینی، فریضه عادلّه به معنای علم به احکام فرعی و سنه قائمه مربوط به علم اخلاق است.

۲- امام حسن عسکری (ع) فرمودند: «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مَرَابُطُونَ فِي الثَّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيْتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنِ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُجِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أْبْدَانِهِمْ» (مرحوم طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷، ط: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق).

دانشمندان پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر ابلیس و لشکرهایش صف کشیده و از یورش آنها به افرادی از شیعیان ما که قدرت دفاع از خود ندارند جلوگیری می‌کنند و نیز از تسلط ابلیس و پیروان او، بر آنها پیشگیری می‌کنند. آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند، هزار هزار بار بالاتر از سپاهیان است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار، پیکار می‌کنند، زیرا دانشمندان، نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دستان ما هستند، در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

در این روایت حضرت می‌فرماید که دفاع از مرزهای عقیدتی شیعه از جهاد جسمی م مسلحانه یک میلیون برابر با ارزش‌تر است. حضرت امیرالمومنین (ع) در مورد جهاد جسمی فرمودند: «الْجِهَادُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» (نهج البلاغه، سید رضی، خطبه ۲۷، ص ۶۹، ط: نشر هجرت). امام صادق (ع) فرمودند: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوُضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتَوَزَنُ دِمَاءُ الشَّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشَّهَدَاءِ» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴، ط: اسلامیه، ۱۳۱۵ق)

۳- در روایت دیگری امام هادی (ع) می فرماید:

«لَوْ لَأَمَّا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمُكُمْ عَ مِنَ الْعُلَمَاءِ لِلدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ لِلدَّابِّينَ عَلَيْهِ وَ لِلدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُنْقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَا صَبَّ لَمَّا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ لِلَّذِينَ يُمْسِكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (مرحوم طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸، ط: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق).

از امام هادی علیه السلام نقل است که فرمود: اگر در پس غیبت امام قائم علیه السلام علمائی نبودند که داعی به سوی او بوده و اشاره به او کنند و با براهین الهی از او دفاع نمایند و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند و از بند نواصب (دشمنان اهل بیت) رهایی بخشند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می شدند. لکن علماء کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می کنند، همچون ناخدای کشتی که سگان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت های برتر و افضل در نزد خداوند با عزت و جلال می باشند.

۴- روایت رأس العلم:

فردی اعرابی خدمت پیامبر خدا (ص) آمد و پرسید: «عَلَّمَنِي مِنْ غَرَائِبِ الْعِلْمِ». حضرت به او فرمود: «مَا صَنَعْتَ فِي رَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى تَسْأَلَ عَنْ غَرَائِبِهِ؟» درباره سر علم چه کرده ای که درباره غائب آن سوال می کنی؟ اعرابی سوال کرد مگر راس علم چیست؟ حضرت فرمود: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۴، ط: اسلامیه، ۱۳۱۵ق).

۵- روایت افضل الفرائض:

هشام بن حکم نقل می کند در محضر امام صادق (ع) بودم، معاویه بن عمار درباره دو روایت که در میان عامه معروف است سوال کرد: یک روایت می گوید: پیامبر اکرم (ص) در لیلۃ المعراج خداوند را دیدند. روایت دیگر می کنند که مومنان در قیامت خداوند را می بینند. وی درباره نحوه دیدن خداوند سوال کرد. حضرت ابتدا با یک تعبیر ملامت آمیز به وی فرمودند: «يَا مُعَاوِيَةَ مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ يَأْتِي عَلَيْهِ سَبْعُونَ سَنَةً أَوْ ثَمَانُونَ سَنَةً يَعِيشُ فِي مُلْكِ اللَّهِ وَ يَأْكُلُ مِنْ نِعْمِهِ ثُمَّ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ». بعد حضرت در توضیح مطلب، این دو حدیث را رد نکردند بلکه آنان را معنا کرده فرمودند: مراد رؤیت قلبی است نه رؤیت حسی. سپس فرمودند: «إِنَّ أَفْضَلَ الْفَرَائِضِ وَأَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَالْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعِبُودِيَّةِ» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۵۴ - ۵۵، ط: اسلامیه، ۱۳۱۵ق).

۶- در روایت دیگری آمده است:

وقتی امیرالمؤمنین (ع) عازم جنگ جمل بودند در مسیر راه یک نفر از ایشان سوالی اعتقادی کرد و گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْ تَقُولُ إِنَّ اللَّهَ وَاحِدٌ» برخی از یاران حضرت به وی هجمه کرده و وی را توبیخ کردند که مگر نمی بینی حضرت عازم جنگ مسلحانه است، این چه جای سوال است. حضرت فرمود: «دَعُوهُ فَإِنَّ الَّذِي يُرِيدُهُ الْأَعْرَابِيُّ هُوَ الَّذِي نُرِيدُهُ مِنَ الْقَوْمِ» او را رها کنید که آنچه وی می خواهد همان است که ما این قوم می خواهیم. یعنی هدف ما از جنگ مسلحانه اصلاح اعتقادات این قوم است.

حضرت در این شرایط حاساس این مسئله را به موقع دیگری موقوف نکردند بلکه سخنی فرمودند که بهتر از آن درباره توحید بیان نشده است. ایشان چهار معنا برای توحید بیان فرمودند که دو معنای آن درباره خداوند نادرست و دو معنا درست است. توحید به معنای یکتایی عددی و توحید به معنای واحد نوعی و جنسی در مورد خداوند صحیح نیست، اما توحید به این معنا که خداوند شبیه و شریک ندارد و دیگر اینکه تجربه پذیر نیست نه در خارج و نه در ذهن و وهم درباره خداوند صحیح است (شیخ صدوق، التوحید، ص ۸۳، ط: موسسه النشر السلامی، ۱۳۹۵).

### اهتمام عالمان شیعی به مباحث کلامی

از بررسی سیره و زندگی عالمان گذشته به دست می آید که هر چند مباحث اعتقادی در میان آنها دارای فراز و فرودهایی بوده است اما هرگز این گونه نبوده که این مسائل در میان آنها کمرنگ شده باشد. از جمله علمای برجسته دیگری که در میدان مباحث اعتقادی به دفاع از دین پرداخته سید مرتضی است. کتاب گران سنگ ایشان با نام «الشافی فی الامامه» که در نقد کتاب «المغنی» قاضی عبدالجبار معتزلی نوشته شده از آثار فوق العاده ایشان است. شیخ الطائفه نیز همین کتاب را تلخیص و تصرفاتی در آن انجام داده که با نام «تلخیص الشافی» چاپ گردیده است.

نمونه دیگر این عالمان، علامه حلی است که آثار فراوان در زمینه مسائل اعتقادی دارد. عالم برجسته دیگر این میدان علامه میرحامد حسین هندی صاحب کتاب «عبقات الانوار» است. آیت الله میلانی کتاب ایشان را تعریب و تلخیص نموده و در ۲۰ جلد با عنوان «نفحات الازهار» به چاپ رسانده است. وقتی انسان کتاب عبقات را می بیند حقیقتاً تعجب می کند که ایشان در آن زمان که امکاناتی کمی در اختیار بوده و خیلی کتابها خطی بوده است با چه انگیزه ای این اثر ارزشمند را نوشته است. در شرح حال ایشان آمده است که گاه برای به دست آوردن یک کتاب چه مرارت‌هایی را متحمل می شدند.

علامه امینی صاحب کتاب گران سنگ و علامه شرف الدین صاحب کتاب «المراجعات» و «الفصول المهمه» از دیگر عالمان شاخص این میدان هستند که هر کدام با سبک‌های مختلفی وارد این میدان شده‌اند.

اگر در مباحث اعتقادی موضوع محور به مباحث بنگریم در این صورت می بینیم که بسیاری از عالمان، وارد این میدان شده‌اند. در این نگاه دیگر تفکیک عالمان به فلاسفه تنها و فقها و متکلمین تنها معنا ندارد زیرا همه آنان به



مباحث اعتقادی نظر داشته و به مسئله دفاع از دین پرداخته‌اند، منتها روش‌های آن‌ها متفاوت بوده است. برخی از آنان به روش نقلی وارد شده و برخی به روش عقلی؛ در مورد روش عقلی نیز گاه روش عقلی فلاسفی و گاه روش عقلی غیر فلاسفی در پیش گرفته شده است، اما همه آن‌ها در خانواده علم اعتقادات قرار می‌گیرند؛ بنابراین نگاه دیگر افرادی همچون ملاصدرا در مقابل متکلمین قرار نمی‌گیرد بلکه خود ایشان جز متکلمین به شمار می‌آید.

## اهداف علم کلام

در رابطه با علم کلام می‌توان گفت که این علم در واقع مدافع دین و از جوانب مختلفی حائز ارزش و اهمیت می‌باشد.

**اول) شناخت تحقیقی دین:** باید توجه داشته باشیم که اصول دین تقلیدی نسبت بلکه این علم با تحقیق و اجتهاد حاصل می‌شود به همین دلیل است که در ابتدای تمامی رساله‌های علمی تقلید در اصول دین را جایز ندانسته‌اند با توجه به همین مسئله می‌توان بیان کرد که یکی از اهداف این علم این است که دین به صورت تحقیقی و اجتهادی فهم شود و به کمک همین مسئله می‌توان دین را با ادله و براهین ثابت کرد و به مسائل آن پاسخ گفت.

مرحوم محقق لاهیجی نخستین هدف از علم کلام را این چنین تشریح می‌نماید: «الأول بالنظر إلى الطالب في قوته النظرية وهو الترقى من حضيض التقليد إلى ذروة الايقان» (لاهیجی، شوارق الالهام، ص ۱۰، ۱۳۸۳ ش). نخستین نتیجه سودمند علم کلام که متوجه خود محقق این علم می‌شود این است که تقلید را پشت سر گذاشته و به قدم در سرزمین اجتهاد و تحقیق می‌گذارد. پس نخستین هدف علم کلام این است که از تقلید رهایی یابد و در اصول دین تحقیقی عمل نماید.

**دوم) راهنمایی کردن دیگران:** هدایت مردم یکی از اهداف تمامی پیامبران الهی می‌باشد و نخستین مرحله هدایت، هدایت در مسائل اعتقادی می‌باشد، پیامبران مبعوث شدند تا به مردم درس خداشناسی، معاد، نبوت بیاموزند. علم کلام نیز یکی از اهداف هدایت مردم می‌باشد یک عالم کلام اسلامی با تشریح و حمایت از این مسائل موجبات هدایت و ارشاد مردم را فراهم می‌سازد.

پس با این بیان هدف علم کلام همانند هدف انبیاء نقش هدایتگری مردم را دارد تا مردم از جهل و تردیدی که در اعتقاد آن‌ها رخ می‌دهد خارج شوند و به همین علت مرحوم لاهیجی هدف بعدی از علم کلام را این چنین بیان می‌کند و می‌فرماید: «الثانی بالنظر إلى تکمیل الغیر و هو ارشاد الم ستر شدین بإيضاح المحجة لهم إلى عقائد الدین والبرهان المعاندین بإقامة البرهان والحجة علیهم» (لاهیجی، شوارق الالهام، ص ۱۰، ۱۳۸۳ ش).

دومین فایده علم کلام نظر به تکمیل کردن دیگران است که با آشکار نمودن راه‌های شناخت خدا و الزام معاندان، با اقامه دلیل و برهان می‌باشد. در این جا یک متکلم الهی اولاً ادله خداشناسی را برای دیگران بیان می‌کند و بعد با اقامه ادله خود، شخص معاند را مجبور به پذیرش حق می‌کند.

**سوم) حفاظت و پاسداری از اعتقادات دینی:** اگر پیشینه دانش کلام را مورد بررسی قرار دهیم مشاهده خواهیم کرد که علت حقیقی در کمال علم کلام شبهاتی بود که بر مسائل دینی وارد می شد و اولیاء دین خصوصاً علما مأمور به پاسخگویی آنها بودند و چه بسا شاگردان مبرزی در مکتب اهل بیت علیهم السلام تربیت یافتند برای پاسخگویی به شبهات و پاسداری از دین. به حدی پاسخگویی به شبهات و دفاع از دین اهمیت داشت که امام جواد علیه السلام، دانشمندان علوم کلامی دین را زمامداران قلوب مؤمنان می داند که در محضر خداوند متعال منزلتی والاتر از دیگران را دارا می باشند (حبیب الله طاهری، نقل از: درس هایی از علم کلام، ۱۳۸۱ ش).

و همچنین مرحوم طبرسی الله در ذیل آیه: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲). می فرماید: «وفی هذا دلالة علی ان من أجلّ الجهاد واعظمه منزلة عند الله سبحانه جهاد المتكلمين فی حلّ شبهة المبطلين وأعداء الدین» (طبرسی، مجمع البیان: ۳۲۴/۷، چاپ مؤسسه الهادی). این آیه بر این مطلب دلالت می کند که یکی از برترین انواع جهاد در منظر خداوند متعال جهاد دانشمندان علم کلام با معاندین دین برای پاسخگویی به شبهات آنهاست.

مرحوم لاهیجی حفاظت و پاسداری از اعتقادات دینی را یکی دیگر از اهداف این علم می داند و در نقد محصل خود می فرماید: «الثالث بالنسبة الی اصول الاسلام و هو حفظ عقائد الدین عن ان یزلزلها شبهة المبطلین» (نقد المحصل، طبع دار الاضواء، ص ۱). سومین نتیجه سودمند علم کلام نسبت به اصول اسلام همان حفظ اعتقادات دینی در مقابل شبهات اهل باطل است.

**چهارم) احتیاج دیگر علوم دین به علم کلام:** همه علوم دینی اعم از: تفسیر، فقه، اصول به علم کلام نیازمند می باشند. تا زمانی که علم کلام نباشد نمی توان محل بحث و تبادل نظری در رابطه با این علوم متصور شد به طور مثال تا زمانی که مسائلی مانند معاد یا نبوت، یا عصمت ایشان ثابت نشده است به طور کلی نمی توان به احادیث و اخبار رسیده از جانب آنان استناد کرد تا در مقام دلیل قرار گیرند و تا زمانی که عصمت پیامبر (ص) در دریافت وحی ثابت نباشد قدرت در تفسیر وحی متصور نخواهد بود.

پس به همین جهت در مرحله نخست باید این علم یعنی علم کلام مورد توجه قرار گیرد تا مبانی کلامی سایر علوم تصحیح شود و سپس آن علوم مورد بررسی قرار گیرد. خواجه نصیر در این باب سخنی دارد که می فرماید: «انّ أساس العلوم الدینیة علوم أصول الدین الذی یحوم مسائله حول الیقین ولا یتیم بدونه الحوض فی سائرها کأصول الفقه وفروعه فانّ الّ شروع فی جمیعها محتاج الی تقدیم شروعه حتی لا یكون الخائض فیها وإن کان مقلداً لأصولها کان علی غیر أساس» (محمد رضا اسدی، مقدمه فلسفه دین علامه جعفری رحمه الله، ۱۳۹۴).

یعنی شالوده‌ی تمامی علوم دینی، علم اصول دین است که مسائل آن بر محور یقین معلق می باشد و بدون آن ورود در مباحث علوم دینی دیگر مانند اصول فقه و فروع آن ممکن نخواهد بود چرا که شروع در آنها بدون آگاهی بر مسائل مربوط به اصول دین همانند سقف بدون پایه می باشد لازم به ذکر است که مطلبی در همین معنا از محقق لاهیجی در

کتاب شوارق الالهام بیان شده است پس مسئولیت علم کلام بسیار با ارزش است پس باید خلاهایی که در جامعه در راستای عدم توجه به آن ایجاد شده جبران شود.

### تعریف علم کلام

برای علم کلام تعاریف مختلفی ارائه شده که برخی از آن‌ها درخور و قابل توجه می باشد، از جمله تعریفی که ابن خلدون ارائه داد. وی می گوید: علم کلام علمی است که عهده دار احتجاج و بیان دلیل عقلی بر اعتقادات دینی و رد بدعت گذاران از سلوک اسلاف و اهل سنت در مسائل اعتقادی می باشد (مقدمه ابن خلدون، ص ۴۶۶). نکته قابل تأمل که در این تعریف دیده می شود این نکته است که در تعریف فوق بیان دلیل عقلی ذکر شده ولی در علم کلام تنها از دلیل عقلی استفاده نمی شود بلکه از دلیل نقلی هم استفاده می شود.

با این بیان می توان گفت این تعریف تام نمی باشد. همچنین تعریف‌های دیگری نیز از علمای علم کلام دریافت شده است که نقل تمامی آن‌ها در این مجال نمی گنجد و تنها نظر مرحوم شهید مطهری را که واضح ترین تعریف می باشد را بیان می کنیم و آن عبارت است از این که: «علم کلام علمی است که در رابطه با عقاید اسلامی یعنی آنچه که از نظر اسلام باید به آن معتقد بود و ایمان داشت بحث می کند به این نحو که آن‌ها را توضیح می دهد و درباره آن‌ها استدلال می نماید و از آن‌ها دفاع می کند» (مجموعه آثار، ج ۵۷/۳، شهید مطهری).

تعریف شهید مطهری تعریفی است که در آن هم به موضوع (عقاید اسلامی) هم به روش بحث (استدلالی) و هم به غایت (دفاع از عقاید دینی) علم کلام اشاره شده است. پس با توجه به این تعریف علم کلام سنگربان و مدافع دین محسوب شده و با استدلال‌های عقلی و با استفاده از کتاب و سنت از دین دفاع می کند.

«و متکلم واقعی کسی است که دین را در همه ابعاد و در جانب اصول و فروع فهم کرده باشد و بتواند به تبیین صحیح و دقیق تمام معارف دینی بپردازد و سنگربانی باشد که به همه شبهات و اشکالاتی که بر اذهان هجوم می آورد پاسخ گوید» (دکتر احمد بهشتی، فلسفه دین، ص ۱۳۹۱، ۴۲ ش).

### موضوع علم کلام

موضوع هر علمی موجب تمایز آن علم با علوم دیگر می شود و در تعریف موضوع علم گفته اند: «آن موضوع کلّ علم هو ما یبحث فیہ عن عوارضه الذاتیة» (مقدمه ابن خلدون، ص ۴۶۶). موضوع هر علمی عبارت است از آن چیزی که در آن علم از احوال و عوارض و خصایص آن چیز بحث و گفتگو شود.

در پیرامون موضوع علم کلام آراء مختلفی وجود دارد ولی به نظر می رسد بهترین نظر در میان همه نظر آن است که در مقدمه ابن خلدون آمده و می گوید: «موضوع علم الکلام عند أهله إنما هو العقائد الإيمانية» (شوارق الالهام، لاهیجی، ص ۴ و نهایی المرام فی علم الکلام، علامه حلی، ص ۹). موضوع علم کلام نزد اهلش همان عقاید ایمانی است. مراد از

عقاید ایمانی عبارت است از اثبات واجب تعالی، صفات خدا، نبوت، معجزه، عصمت، امامت، معاد، عدل الهی و... و هر چیزی که جزء عقاید محسوب شود.

### تعریف علم کلام و موضوع آن از نظر شهید مطهری

در تعریف علم کلام اسلامی کافی است که بگوییم علمی است که درباره اصول دین اسلام بحث می‌کند، به این نحو که چه چیز از اصول دین است و چگونه و با چه دلیل اثبات می‌شود و جواب شکوک و شبهاتی که در مورد آن وارد می‌شود چیست؟ در کتب منطق و فلسفه بحثی هست راجع به اینکه هر عملی موضوعی خاص دارد و تمایز مسائل هر علمی از مسائل علم دیگر به حسب تمایز موضوعات آن علوم است.

البته این مطلب درستی است علمی که مسائل آنها وحدت واقعی دارند چنین است ولی مانعی ندارد که علمی داشته باشیم که وحدت مسائل آن اعتباری باشد و موضوعات متعدده و متباینه داشته باشد و یک غرض و هدف مشترک منشأ این وحدت و اعتبار شده باشد. علم کلام از نوع دوم است، یعنی وحدت مسائل کلامی، وحدت ذاتی و نوعی نیست بلکه وحدت اعتباری است. از این رو ضرورتی ندارد که در جستجوی موضوع واحدی برای علم کلام باشیم.

علمی که وحدت مسائل آنها وحدت ذاتی است، امکان ندارد که از نظر مسائل متداخل باشند، یعنی برخی مسائل میان آنها مشترک باشد، ولی علمی که وحدت آنها اعتباری است و یا یک علم که وحدت مسائلش اعتباری است با علمی دیگر که وحدت مسائلش ذاتی است، هیچ مانعی ندارد که از نظر مسائل متداخل باشند. علت تداخل مسائل فلسفی و کلام و یا مسائل روانشناسی و کلام و یا مسائل اجتماعی و کلام همین امر است.

برخی از علما اسلامی بر آن شدند برای علم کلام موضوع و تعریف بیابند نظیر موضوع و تعریفی که برای علوم فلسفی هست و نظریات مختلفی در این زمینه ابراز کرده‌اند؛ و این اشتباه است؛ زیرا موضوع مشخص داشتن مربوط است به علمی که مسائل آن علوم وحدت ذاتی دارند، اما علمی که مسائل آنها وحدت اعتباری دارند نمی‌توانند موضوع واحدی داشته باشند. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۳، مطهری، مرتضی، صدر، ۱۳۸۲).

### علم کلام جدید

کلام جدید<sup>۳</sup> یکی از شاخه‌های دین‌پژوهی<sup>۴</sup> است که در غرب با عنوان الهیات نوین<sup>۵</sup> مطرح شده است و یکی از اصطلاحاتی که امروزه در حوزه الهیات و کلام مطرح است اصطلاح کلام جدید است. علم کلام جدید، عیناً از همان جایگاهی در قرآن و سنت برخوردار است که علم کلام پیشین برخوردار بود؛ چرا که این علم ادامه همان تلاش مدافعانه از دین است، منتها با ابزاری درخور این عصر.

<sup>۳</sup> (New Theology)

<sup>۴</sup> (Study of Religion)

<sup>۵</sup> (Modern Theology)

## تعریف کلام جدید

در تعریف کلام (قدیم) آمده است: علمی است که درباره عقاید اسلامی، یعنی آنچه از نظر اسلام باید بدان معتقد بود و ایمان داشت، بحث می‌کند؛ به این شکل که آن‌ها را توضیح می‌دهد و درباره آن‌ها استدلال می‌کند و از آن‌ها دفاع می‌نماید و جواب شکوک و شبهاتی را که در مورد آن وارد می‌شود، می‌دهد (مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، مبحث کلام، انتشارات صدرا، بی‌تا، ص ۲۲، ۱۳۷۴). در حقیقت متکلم، متعهد به دفاع از مذهبی از مذاهب است. این دفاع متعهدانه از سویی می‌تواند با پاسخگویی به شبهات و دفاع از حریم دین در برابر اندیشه‌های مخالف باشد.

با تحولی که در علوم و معارف بشری به ویژه پس از دوران روشنگری (سده‌های ۱۷ و ۱۸م) تا به امروز به وجود آمد، مجموعه‌ای از آرای فلسفی، عرفانی و یا اندیشه‌های علمی جدید با بخشی از معتقدات و باورهای پیشین که نوعاً صبغه‌ای دینی دارند، در تعارض افتادند. از وظایف اصلی علم کلام نیز همچنان دادن پاسخی مناسب به این اشکالات است. در این دوره، اشکالات نوین، معمولاً نیازمند پاسخ‌های نوین نیز می‌باشند که نمی‌توان همگی آن‌ها را با ابزارهای پیشین تامین نمود. از این رو، علم کلام با دسترس‌سی به این ابزار جدید (مانند نظریه‌های فلسفی و یا لبداعات کلامی) وارد دوران جدیدی می‌شود که در اصطلاح به آن «کلام جدید» گفته می‌شود.

از این رو، کلام جدید در حقیقت ادامه جریان کلام قدیم است، منتها در برابر شبهات جدید و پرسش‌های جدید مبادرت به طرح پاسخ‌هایی جدید متناسب با افق فکری انسان امروز می‌نماید. در این میان، همان‌گونه که کلام قدیم با احکام فلسفی زمان خویش است، کلام جدید نیز از آراء فلسفی جدید بهره می‌برد و با آن مرتبط است.

## موضوع کلام جدید

موضوع کلام جدید نیز علی‌رغم تغییر در برخی مسائل همان موضوع کلام قدیم است و تنها جنبه‌های انتقادی کلام جدید بیش از کلام سنتی است؛ اما اولاً: این امر سبب تفاوت دو علم نیست و ثانیاً: این ویژگی نیز عمومیت ندارد و تنها در جوامع غربی و یا دارای گرایش‌های دینی ضعیف نمودار شده است. به طور کلی کلام جدید و کلام قدیم هر دو یک علم است که در سیر تکامل یا تغییرات طبیعی و تاریخی خود دارای مسائل و ابزار و اهداف جدیدی نیز شده است.

## نمونه‌ای از مسائل کلام جدید

چیستی و تعریف دین، انتظار بشر از دین، قلمرو دین و گستره شریعت، کارکردهای دین، منشأ دین، گوهر و صدف دین، زبان دین، تعارض علم و دین، پلورالیسم دینی، رابطه عقل و دین، تجربه دینی، رابطه دین و دنیا، رابطه دین و اخلاق، معرفت‌شناسی دینی و... را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از مسائل جدید کلامی نام برد. از آنجا که علم کلام قلمرو رسالتی بس گسترده دارد و با اصول و فروع دین در ارتباط است، مسائل جدید کلامی نیز

دارای چنین صبغه‌ای می‌باشند، مسائل جدید کلامی گاهی مربوط به اصول دین هستند و گاهی مربوط به فروع دین، گاهی مشترک میان همه ادیان (ادیان توحیدی‌اند) و گاهی مخصوص یک دین می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا بتوانیم دیدگاه‌های مختلف را در رابطه با علم کلام در مواردی همچون پیر شینه علم کلام، اهمیت، اهداف، تعریف و موضوع آن را بیان نماییم.

به طور خلاصه می‌توان گفت کلام اسلامی علمی است که از اعتقادات دینی دفاع می‌کند این علم از زمان ظهور اسلام به وجود آمده است که به طرق مختلف از جمله آموزش، مناظره و یا پرسش و پاسخ به کار گرفته می‌شد باید توجه داشت که بسیاری از علما اولین مسئله در علم کلام را مسئله جبر و اختیار دانسته‌اند و به تبع این بحث از مباحث دیگر نیز سخن به میان آمده است.

اهمیت علم کلام در آیات بسیاری وارد شده است که از جمله آن می‌توان به آیاتی که درباره جدال حضرت ابراهیم با نمرود و بت پرستان می‌باشد اشاره کرد ائمه در روایات زیادی به اهمیت این علم پرداخته‌اند روایت مشهور پیامبر اکرم (ص) که در آن علم را به سه قسمت تقسیم می‌کند و علم کلام را یکی از آن علوم می‌داند به روشنی بیانگر اهمیت علم کلام می‌باشد.

از جمله اهداف این علم می‌توان به این مسئله اشاره کرد که اصول دین باید بر اساس تحقیق باشد نه تقلید از اهداف دیگر این علم می‌تواند به راهنمایی کردن دیگران، حفاظت از مرزهای اعتقادی دین و نیاز دیگر علوم به این علم اشاره کرد لازم به ذکر است که همان‌گونه که در ابتدای مقاله بیان شد برخی از علما همچون شهید مطهری موضوع مشخصی را برای علم کلام بیان نکرده‌اند و بر این اعتقاد هستند داشتن موضوع مشخص تنها در علمی مباحثه که دارای وحدت ذاتی می‌باشند.

ولی برخی از دانشمندان علم کلام تلاش کردند که برای علم کلام موضوعی را انتخاب کنند و موضوعی که اکثراً در آن اتفاق نظر دارند همان تعریف ابن خلدون می‌باشد که در متن نیز به آن اشاره شده است علم کلام خود به دو دسته تقسیم شده است کلام قدیم و کلام جدید باید دانست که به علم کلام جدید در حقیقت دنباله‌ی کلام قدیم است با این تفاوت که کلام جدید متکفل پاسخگویی به اشکالات نوین می‌باشد.

در پایان خاطرنشان می‌کنیم که علم کلام نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد و راه تحقیق و پژوهش برای علاقه‌مندان به این علم بسته نمی‌باشد در ادامه مقاله پیشنهادهایی در همین راستا قرار داده شده است

## پیشنهادات تحقیق

- ۱- بررسی جایگاه مباحث کلامی در الگوی پیشرفت
- ۲- بررسی کلام امامیه در عصر حضور
- ۳- بررسی علل پیدایش علم کلام و فرقه‌های کلامی
- ۴- دیدگاه‌های کلامی امام صادق (ع) و عقائد و آراء عصر آن حضرت
- ۵- نهضت‌های کلامی در عصر امام صادق (ع)
- ۶- بررسی نقش مکاتب کلامی در اختلاف تفاسیر آیات
- ۷- بررسی مبانی و ادله کلامی امامت و رابطه آن با خاتمیت
- ۸- بررسی کلام الهی در منابع اسلامی
- ۹- روش‌شناسی علم کلام
- ۱۰- بررسی انظار و آراء درباره کلام جدید
- ۱۱- بررسی رابطه فقه و کلام
- ۱۲- بررسی رابطه فلسفه و کلام
- ۱۳- بررسی رابطه کلام و عرفان
- ۱۴- بررسی اختلافات کلامی شیخ مفید و شیخ صدوق (ره)
- ۱۵- بررسی کلام شیعه از علامه حلی (ره) تا علامه مجلسی (ره)
- ۱۶- بررسی تاریخ تحلیلی کلام شیعه در قرون مختلف
- ۱۷- بررسی اندیشه‌های کلامی علما

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابوعلی، فضل بن حسن بن فضل طبرسی، بیتا، مجمع‌البیان، بیجا، دار المعرفه.
- ۴- امینی، عبدالحسین، ۱۴۲۶ق، الغدير فی الكتاب العزیز، قم، مؤسسه دائره معارف الفقه الاسلامی.
- ۵- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۶ق، التوحید، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۶- بهشتی، احمد، ۱۳۸۲ش، فلسفه دین، قم، بوستان کتاب قم.
- ۷- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل فی وجوه التأویل، بیروت - لبنان، دار الكتاب العربی.
- ۸- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، ۱۳۶۶ ه. ش، تفسیر القرآن الکریم، قم، بیدار.
- ۹- طباطبائی، سید محمد حسین، بیتا، المیزان، بیجا، دار الکتب الاسلامیه.

- ۱۰- طاهری، حبیب‌الله، ۱۳۸۱ ش، درس‌هایی از علم کلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۱- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج، مشهد مقدس، نشر المرتضی.
- ۱۲- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق یا ۱۹۹۹ م، التفسیر الکبیر، بیجا، بینا.
- ۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- ۱۴- لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، بیتا، شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، اصفهان، مهدوی.
- ۱۵- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰ش، مجموعه آثار شهید مطهری، صدرا.
- ۱۶- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ۱۳۱۵ق، بحار الانوار، بیجا، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۷- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۱۴۰۵ق، تلخیص المحصل، بیروت، دار الاضواء.